



مجید اسکندری*

پیامدهای روابط ترکیه و غرب بر جمهوری اسلامی ایران

آقای مجید اسکندری در مقاله تحقیری خود با عنوان «پیامدهای روابط ترکیه و غرب بر جمهوری اسلامی ایران»، سعی کرده نشان دهد که ترکیه به اتحادیه اروپا راه خواهد یافت و ایران نیز در پی آن با اروپا روابط حسنه خواهد داشت. به نظر می‌رسد روی چند عامل دیگر هم باید تأمل کرد: نخست آن که جریان عدالت و توسعه ترکیه با نام‌های مختلف در ۴۰ سال گذشته با طرد و حذف ژنرالیزم و قاچاق مواد مخدر و... روبه‌رو بوده و به این جریان اجازه ماندن در قدرت داده نمی‌شود. این جریان در واکنش به این سرکوب‌ها به تاسیس بنگاه‌های تجاری، کارخانه بانک، شرکت‌های مقاطعه‌کاری بزرگ، فروشگاه‌های بزرگ و انجمن‌های خیریه و... همت گماشت و به نوعی در تکوین بورژوازی ملی گنم‌های بلندی برداشت.

دوم این که روند حرکت مردم ترکیه جهت‌گیری ضداسرائیلی پیدا کرده که در این راستا نمودهای بسیاری وجود دارد و انعکاس این موج مردمی را در حاکمیت ترکیه نیز می‌توان دید و کافی است به موضع اردوگان در داووس و واکنش او در جمله به تاوانگ آزادی اخیر اشاره کرد.

سوم این که حزب پ.ک.ک که در رابطه فعال آن را نمی‌توان با اسرائیل و آمریکا انکار کرد، فشار بسیاری به دموکراسی ترکیه می‌آورد و طبیعی است که در روابط ترکیه با اسرائیل اثر منفی می‌گذارد.

با توجه به قدرت لابی اسرائیل در آمریکا و اروپا و تولیدگرایی بورژوازی ملی ترکیه و عرق ناسیونالیستی ترک‌ها در راستای خودکفایی و جلوگیری از واردات بعید است ترکیه به اتحادیه اروپا راه یابد. بویژه که مسائل فرهنگی از جمله حجاب که در ترکیه، فرانسه و اروپا دور روند متفاوت با حساسیت‌های متفاوت پیدا کرده، مانع جدی‌تری است که ورود ترکیه را به اتحادیه اروپا مشکل می‌کند.

به روابط دو کشور مهم منطقه یعنی ایران و ترکیه را ضروری می‌کند. موضوع روابط استراتژیک ترکیه و مجموعه غرب یکی از مهمترین و اساسی‌ترین مسائلی است که می‌تواند در ۲۰ تا ۳۰ سال آینده شکل دهنده روابط ترکیه با غرب و بخصوص آمریکا باشد. اگر چه در مسیر روابط استراتژیک ترکیه و مجموعه غرب دشواری‌ها و موانعی وجود دارد، اما ترکیه همواره سعی کرده در مسیر رفع این دشواری‌ها با اتخاذ معیارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جایگاه و اهمیت خود را نزد غرب ارتقا دهد. در راستای پیگیری چنین هدفی، جامعه، اقتصاد و سیاست در ترکیه در دهه‌های اخیر تغییرات قابل توجهی داشته است. از سوی دیگرین تحلیلگران مسائل ترکیه، این اجماع نسبی وجود دارد که این کشور در سال‌های پیش رو شاهد نقطه عطفی در حیات سیاسی خود خواهد بود. از آنجا که تحولات ترکیه می‌تواند منافع غرب را با چالش‌های جدی مواجه کند، این نقطه عطف برای غرب از اهمیت خاصی برخوردار است. به سبب ناامنی‌هایی که پس از پایان جنگ سرد در مناطق پیرامون ترکیه رخ داده، این کشور بر خلاف آنچه تصور می‌شده تنها اهمیت ژئوپلیتیک خود را از دست نداد، بلکه تا حد زیادی نیز اعتماد به نفس

بنا به ضرورت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند در سال‌های آینده شکل دهنده روابط ترکیه با غرب بخصوص آمریکا باشد. در مقاله حاضر بارویکر دی توصیفی-تحلیلی به بررسی عوامل و متغیرهای تأثیرگذار داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی در ایجاد روابط استراتژیک ترکیه و غرب و پیامدهای این روابط بر جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود. بی‌تردید روابط استراتژیک ترکیه و مجموعه غرب تبعات سیاسی-امنیتی، اقتصادی و اجتماعی بر جامعه ایران و جمهوری اسلامی خواهد داشت، در نتیجه این مقاله لزوم نگاه دقیق‌تر و عمل‌گرایانه‌تر

اگر چه در مسیر روابط استراتژیک ترکیه و مجموعه غرب دشواری‌ها و موانعی وجود دارد، اما ترکیه همواره سعی کرده در مسیر رفع این دشواری‌ها با اتخاذ معیارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جایگاه و اهمیت خود را نزد غرب ارتقا دهد

در پی تحولاتی که در اوایل دهه قرن بیستم منجر به فروپاشی شوروی و سقوط نظام دو قطبی و پایان جنگ سرد شد، فرصت مناسبی برای ظهور یک اتحاد استراتژیک میان ترکیه و غرب فراهم شد و زمینه‌های جدیدی را برای همکاری مشترک این دو مجموعه در حوزه‌های مهم امنیتی نظیر قفقاز، آسیای مرکزی، بالکان و خاور میانه فراهم کرد. وجود منافع مشترک ترکیه و غرب، خطرات و تهدیدات مشترک و موقعیت جغرافیایی ترکیه در کنار بحرانی‌ترین مناطق دنیا، ارزش مضاعفی را برای این کشور ایجاد نمود و موجبات نوعی وابستگی متقابل غرب و ترکیه را فراهم کرده است. این رابطه باعث شده ترکیه در اقدامات کلان غرب مانند طرح بزرگ خاور میانه مدنظر قرار گرفته و متعاقباً در ساختارهای امنیتی، سیاسی و اقتصادی غرب پذیرفته شود. البته وضعیت موجود در روابط ترکیه و غرب بویژه اتحادیه اروپا و عدم پذیرش عضویت ترکیه در اتحادیه و پدیدار شدن هویت‌های ناسیونالیستی و مذهبی، حضور اسلام‌گرایان و عدم پاسخگویی اصول کمالیسم درقبال تحولات داخلی و منطقه‌ای، موجب شده طرح استراتژیک ترکیه و غرب با چالش‌هایی روبه‌رو شود. با وجود چنین موانع و چالش‌هایی طرح موجود

سیاسی و ظهور بخش خصوصی قدرتمند سبب توسعه روابط استراتژیک ترکیه و غرب شده است. پیامدهای روابط ترکیه و غرب بر جمهوری اسلامی ایران

اهمیت موقعیت ژئوپلیتیکی، قرار گرفتن ترکیه در مسیر ارتباطی ایران با اروپا، موقعیت این کشور در میان کشورهای سازنده‌های اروپایی، نوعی تقابل سنتی-تاریخی میان دو کشور ایران و ترکیه در منطقه و مطرح بودن ترکیه به عنوان یکی از همسایگان مهم ایران، به صورت اصولی بررسی سیاست خارجی ترکیه را برای ایران دارای اهمیت می‌نماید، البته در دوره زمانی اخیر به مسائلی چون بحران خاور میانه، تحولات آسیای مرکزی و قفقاز، تحولات بالکان و مسئله عراق وارد این معادله شده است که اهمیت روابط ترکیه و غرب را برای ایران دوچندان می‌کند (Fuller & Lesser, 2008: 115) در کنار عوامل فوق، شواهد جدید و مهم تأثیر گذاری ترکیه در منطقه و مطرح بودن این کشور به عنوان یکی از مراکز نقل منطقه‌ای، بررسی مبانی رفتاری سیاست خارجی ترکیه در راستای تبیین نقاط ضعف و قوت روابط این کشور با غرب را به یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای کشور ما تبدیل کرده است.

ترکیه و دوسناریوی بزرگ

ترکیه در وضعیت کنونی خود دست کم تا پنج سال آینده با دو سناریوی کلان روبه‌روست: سناریوی اوراسیایی و سناریوی اروپایی. منظور از سناریوی اوراسیایی، این است که ترکیه با تشکیل مثلث امریکا-ترکیه-اسرائیل و با نزدیک شدن به ایران و روسیه، نقش محوری را در مثلث مزبور بازی کند (دی‌کایا، ۱۳۸۶: ۳۳). اصلی‌ترین بُعد این مثلث در وهله اول، استراتژیک و امنیتی است و در صورت موفقیت می‌تواند به حوزه‌های سیاسی و اقتصادی نیز گسترش پیدا کند. اصلی‌ترین طرفداران این سناریو، نظامیان کمالیست، سیاستمداران سکولار و برخی از ناسیونالیست‌های

اهمیت ترکیه برای غرب، پیش از آنکه معلول بازیگری این کشور باشد، برآمده از موقعیت جغرافیایی این کشور است. قرار گرفتن در نقطه اتصال آسیا به اروپا، اسلام به مسیحیت و شرق به غرب در کنار نزدیکی این کشور به سه منطقه مهم و استراتژیک خاور میانه، قفقاز و آسیای مرکزی و بالکان باعث شده تا غرب این واقعیت را بپذیرد که ترکیه در ساختار نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد نیز می‌تواند به مثابه یک سردنیز می‌تواند به مثابه یک نقطه اتکابرای غرب و نظام سرمایه‌داری عمل کند

روابط استراتژیک ترکیه با مجموعه غرب چه پیامدهایی برای جمهوری اسلامی ایران در پی دارد؟ همچنین چه زمینه‌ها و ضرورت‌هایی باعث سیاست ایجاد روابط استراتژیک ترکیه و غرب در یک دهه گذشته شده است؟

فرضیه اصلی مقاله این است که ترکیه به منظور تداوم بخشیدن به ارزش و اعتبار استراتژیک خود برای غرب و ویژه امریکا و بازیگری اهداف اقتصادی و سیاسی (عضویت در اتحادیه اروپا) به دنبال حفظ اهمیت استراتژیک خود برای غرب است. این روابط استراتژیک نیز پیامدهای سیاسی-امنیتی و اقتصادی-اجتماعی بر جامعه ایران و جمهوری اسلامی خواهد داشت.

فرضیه فرعی ما این است که روندهای اجتماعی، ارزش‌های ژئوپلیتیک، تحول در ماهیت نظام

خود را برای حضور در مناطق مختلف افزایش داد. نیاز غرب بویژه ایالات متحده برای حضور در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز و تبدیل شدن این کشور (ترکیه) به قدرتمندترین بازیگر منطقه مهم خاور میانه موجب توجه بیش از پیش ایالات متحده به نقش ترکیه در تأمین منافع آمریکا شد.

اهمیت ترکیه برای غرب، پیش از آنکه معلول بازیگری این کشور باشد، برآمده از موقعیت جغرافیایی این کشور است. قرار گرفتن در نقطه اتصال آسیا به اروپا، اسلام به مسیحیت و شرق به غرب در کنار نزدیکی این کشور به سه منطقه مهم و استراتژیک خاور میانه، قفقاز و آسیای مرکزی و بالکان باعث شده تا غرب این واقعیت را بپذیرد که ترکیه در ساختار نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد نیز می‌تواند به مثابه یک نقطه اتکابرای غرب و نظام سرمایه‌داری عمل کند (کاکایی، ۱۳۸۵: ۹۲). انتقال مرکز بحران دنیا از قاره اروپا به مناطق دیگر جهان از دوران پس از جنگ جهانی دوم و بویژه پس از جنگ سرد، از مهمترین عوامل ساختاری است که اهمیت ترکیه را افزایش داده است. از دیدگاه غرب در دوران پس از جنگ سرد با توجه به آنچه گفته شد، ترکیه از چند منظر در سیاست خارجی آمریکا و کشورهای اروپایی اهمیت حیاتی دارد:

۱- این کشور مدلی برای دولت‌های قفقاز، آسیای مرکزی و بالکان به شمار می‌رود.
۲- تحولات ترکیه نقش بسزایی در ظهور یا افول جنبش‌های اسلامی در خاور میانه دارد.
۳- موقعیت بخش خصوصی در ترکیه آزمون کلیدی برای تأثیر گذاری بخش خصوصی در ثبات و اصلاحات سیاسی کشورهای پیرامون این کشور به شمار می‌آید (قهرمانپور، ۱۳۸۷: ۷۵).

یکی از موانع دیگر بر سر راه طرح استراتژیک مثلث امریکا-ترکیه-اتحادیه اروپا، موضوع پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا است. اتحادیه اروپا هرگز خواهان طرد و بیگانه قلمداد کردن ترکیه نیست و در عین حال هیچ اتفاق نظری چه در ترکیه و چه در اتحادیه اروپا در خصوص چگونگی توسعه روابط بین دو طرف و عضویت این کشور در اتحادیه وجود ندارد (نوع پرست، ۱۳۸۶: ۴۲). البته در صورتی که موانع اصلی پیش روی عملی شدن این طرح که از نظر غرب عوامل داخلی هستند مرتفع شود، در آن صورت همگرایی ترکیه و مجموعه غرب بیشتر می‌شود. همچنین در عمل همکاری‌های ترکیه و مجموعه غرب پیامدهایی را برای دو طرف خواهد داشت و چنین تعاملی بین غرب و ترکیه پیامدهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی را برای دو مجموعه در بر دارد.

این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که



ترک هستند. از نظر آنها، نزدیکتر شدن ترکیه به اتحادیه اروپا و پیوستن به آن به هر قیمت، موجب تضعیف اصولی می شود که آتاتورک آنها را بنیان گذاشته است. مهمترین این اصول عبارتند از پایبندی به سکولاریسم و حفظ وحدت و تمامیت ارضی ترکیه. محور اسرائیل - آذربایجان - ترکیه - گرجستان در قفقاز جنوبی با همین ایده شکل گرفته که به نوبه خود به تقویت محور ایران - ارمنستان - یونان انجامید. همین موارد در راستای این سناریو بوده است. وزیر کشور سابق ترکیه پیشنهاد کرده بود آذربایجان و ترکیه برای اعمال فشار بر اتحادیه اروپا باید با همدیگر متحد شوند (قهرمانپور، ۱۳۸۶: ۱۳). ادعای اصلی این گروه آن است که ترکیه باید با تقویت موقعیت خود در اوراسیا (یعنی منطقه ای که از ترکیه شروع و در چین ختم می شود)، اتحادیه اروپا را وادار به پذیرش ترکیه کند، بی آنکه ترکیه مجبور باشد اصلاحات گسترده ای را در داخل انجام دهد. فروش تسلیحات، آموزش نظامی و مدرنیزاسیون نظامی از جمله استراتژی های مورد استفاده طرفداران سناریوی اور آسیا، بخصوص در قفقاز و آسیای مرکزی است. با ظهور اسلامگرایان عمل گرا در عرصه سیاسی داخلی ترکیه و تحولات چند سال گذشته، این سناریو تا حد قابل توجهی تضعیف شده است (اطهری، ۱۳۸۵: ۴۹).

در مقابل سناریوی اوراسیا، سناریوی اروپا قرار دارد که مورد حمایت اسلامگرایان، طرفداران حقوق بشر، مخالفان امریکادار داخل ترکیه و نیز اغلب شرکت های خصوصی است. این عده معتقدند مؤثرترین شیوه گذار ترکیه به دموکراسی و نیز تضعیف موقعیت نظامیان و کمالیست ها در داخل و پیوستن به اتحادیه اروپا از طریق اصلاحات گام به گام، خلاصه می شود (حافظیان، ۱۳۸۶: ۵۲). از نظر آنها، امریکایی ها چندین طرفدار گسترش دموکراسی و حقوق بشر در ترکیه نیستند و به این کشور نگاه امنیتی دارند، از این رو در صورت رفع این نیازهای امنیتی، امریکادار روابط خود با ترکیه تجدید نظر خواهد کرد و در این سناریو، ترکیه با پیوستن به اتحادیه اروپایی به یک کشور عادی و توسعه یافته تبدیل خواهد شد و همین امر زمینه را برای بهبود روابط ترکیه با یونان، ایران، سوریه و حتی ارمنستان فراهم خواهد کرد. محور این سناریو، نه روابط نظامی و استراتژیک، بلکه روابط اقتصادی است. ترکیه با گسترش روابط اقتصادی با کشورهای مختلف و خصوصاً خاورمیانه عربی، ایران، آسیای مرکزی و قفقاز و بالکان، زمینه تبدیل شدن این کشور به یک قدرت منطقه ای و ورود به اروپا را فراهم خواهد کرد. در حال حاضر، صحنه داخلی ترکیه عرصه زور آزمایی طرفداران این دو سناریو است. درایت و هوشمندی نخبگان حزب

عدالت و توسعه و در رأس آنها افرادی نظیر رجب طیب اردوغان و عبدالله گل و درس آموختن آنها از تجارب اربکان باعث شده که نظامیان نتوانند اسلامگرایان جدید را در حد کافی تضعیف کنند (Taper, 2007: 80). نیوستن ترکیه به امریکا در حمله به عراق، برگزاری اجلاس ناتو در استانبول و قول مساعدت رهبران اروپایی برای آغاز مذاکرات الحاق، حل و فصل دیپلماتیک بحران قیرس و جلوگیری از افزایش نظامیان در این جزیره، از موفقیتهای عمده حزب عدالت و توسعه بوده که باعث شده نوعی موازنه قوا میان نظامیان و غیر نظامیان برقرار شود (شیخ عطار، ۱۳۸۱: ۸۷).

آیرون، ترکیه و سناریوی اوراسیا

گرچه در ظاهر امر به نظر می رسد، پیشرفت این سناریو موجب افزایش علاقه مندی کمالیست ها و نظامیان به گسترش روابط با ایران خواهد شد، ولی ظواهر موجود چندان با واقعیت تطبیق ندارد. ترکیه هم مثل ایران جامعه ای پیچیده است. در ایران تصور بر این است که ترکیه کاملاً تحت کنترل نظامیان است و بدون اجازه آنها، اسلامگرایان نمی توانند کاری بکنند. این تصور، رقابت های داخلی گروه های مختلف برای افزایش و کسب قدرت را نادیده می گیرد. تمکین نظامیان در مقابل حزب عدالت و توسعه به خوبی مؤید این واقعیت است که نظامیان ترکیه در تحلیل نهایی نمی توانند

تمکین نظامیان در مقابل حزب عدالت و توسعه به خوبی مؤید این واقعیت است که نظامیان ترکیه در تحلیل نهایی نمی توانند بدون پشتیبانی مردم و افکار عمومی سیاست های خود را پیش ببرند، نمونه بارز آن، حمله به عراق بود. نظامیان با این که موافق پیوستن به امریکا بودند، به خاطر مخالفت افکار عمومی از این کار امتناع کردند. دلیل این امر آن است که آنها خود را پشتیبان نظام سیاسی سکولار و تمامیت ارضی ترکیه می دانند و معتقدند ارتش ترکیه تبلور خواست های مردم است

بدون پشتیبانی مردم و افکار عمومی سیاست های خود را پیش ببرند (Hale, 2005: 58)، نمونه بارز آن، حمله به عراق بود. نظامیان با این که موافق پیوستن به امریکا بودند، به خاطر مخالفت افکار عمومی از این کار امتناع کردند. دلیل این امر آن است که آنها خود را پشتیبان نظام سیاسی سکولار و تمامیت ارضی ترکیه می دانند و معتقدند ارتش ترکیه تبلور خواست های مردم است (Berks, 2004: 43). آنچه نظامیان در سناریوی اوراسیا برای ایران و روسیه در نظر گرفته اند، نقشی درجه دومی است، یعنی زمانی که مثلث امریکا - ترکیه - اسرائیل در اوراسیا تقویت شد، ایران و روسیه ناگزیر از پذیرش و تن دادن به همکاری با این مثلث خواهند شد. منافع اسرائیل در این مثلث این است که به شریک مطمئن منطقه ای، یعنی ترکیه می پیوندد که می تواند دشمنان اسرائیل، یعنی اعراب و ایران را همزمان تحت فشار قرار دهد، در عوض اسرائیل با مدرنیزاسیون نظامی ترکیه موجب تقویت نظامیان در داخل و افزایش قدرت مانور ترکیه در خارج می شود (روشندل، ۱۳۸۶: ۶۸).

بر اساس این سناریو، بسط روابط ترکیه و امریکا، موجب محاصره فیزیکی ایران و در نتیجه کاهش قدرت مانور ایران در محیط پیرامونی و افزایش هزینه های امنیتی شده است. امریکا حمایت بسیار زیادی از حضور و نفوذ هم پیمانان خود در منطقه می کند و بر اساس این سناریو ترکیه و اسرائیل به جهت حمایت های امریکا جایگاه مهمی در مهار ایران پیدا می کنند و به عنوان وزنه ای برای مقابله با قدرت برتر ایران و روسیه در منطقه به شمار می آیند. امریکا چه در خلیج فارس و چه در کشورهای حاشیه آن همواره مانع تحرک ایران بوده و در پی نادیده گرفتن جایگاه طبیعی ایران در نظام منطقه ای برآمده تارقات منطقه ای ایران و فضا سازی توسعه حوزه نفوذ ایران را کاهش و در عوض توسعه نفوذ ترکیه را افزایش دهد (حیدری، ۱۳۸۶: ۶۴)، زیرا امریکا برای افزایش قدرت مانور و حتی حفظ موقعیت خود در خاورمیانه نیازمند همکاری ترکیه است. برنامه تغییر نقشه خاورمیانه که در دستور کار قرار دارد دارای سه هدف اصلی است. سه هدف اعلام شده در گزارش توسعه بشری، عبارتند از گسترش دموکراسی و برپایی حکومت های معتدل، ایجاد جامعه مدنی و توسعه فرصت های اقتصادی. در این میان جایگاهی نیز برای ترکیه در قالب حمایت از برنامه های امریکا در نظر گرفته شده است (Hale, 2006: 68).

پس از حادثه یازدهم سپتامبر روابط دو جانبه امریکا - ترکیه به مراتب گسترده تر و قوی تر از روابط سه جانبه امریکا - ترکیه - اتحادیه اروپا بوده است. دولت اوپامانیز ترجیح می دهد بیشتر روابط

دو جانبه را مورد توجه قرار دهد تا روابط سه جانبه امریکا انتظار دارد که با عملی شدن این طرح، قدرت مانور خود را در مناطق پیرامون ترکیه، آن هم به واسطه ترکیه افزایش دهد. تبدیل شدن پایگاه اینجریلیک به مهمترین پایگاه نظامی امریکا در سه منطقه مهم خاور میانه، قفقاز و بالکان یکی از اهداف این استراتژی است. در صورت تحقق چنین امری حضور امریکا در خاور میانه به شدت تقویت می شود و قدرت مانور کشورهایمانند ایران، سوریه و روسیه که با امریکامشکلاتی دارند، کاهش خواهد یافت. در مجموع به نظر می رسد، افزایش بی سابقه نقش امریکا در معادلات منطقه، اولین و مهمترین تهدید متوجه ایران در پرتو فضای بین المللی شکل گرفته پس از حوادث یازدهم سپتامبر است و گسترش نفوذ امریکا، زمینه مساعدی را برای تعقیب همه جانبه اهداف این کشور در منطقه که بخش عمده ای از آن معطوف به تحدید نفوذ و حضور ایران است، فراهم خواهد ساخت و افزایش توجه ایالات متحده به ترکیه می تواند نقش آفرینی بیشتر ترکیه را در پی داشته باشد که طبعاً این روند به معنای افزایش تهدید است و چالش هایی را برای ایران در آسیای مرکزی و قفقاز و خاور میانه در بر خواهد

است. در این سناریو، ایران نه تابع، بلکه شریک استراتژیک ترکیه است و تمایل آن برای گسترش روابط با ترکیه از اهمیت ویژه ای برخوردار است (پهلوان، ۱۳۸۶: ۴۹). در دوران پس از صدام، این اهمیت دو چندان می شود چون:

۱- با افزایش ناامنی در عراق و حتی تشکیل

در وضعیت کنونی نوعی موازنه قوا، میان طرفداران دو سناریوی بزرگ اوراسیایی و اروپایی در داخل ترکیه برقرار است که این موازنه را می توان موازنه سکولارها و اسلامگرایان نیز دانست. منافع ایران در این است که موازنه قوا به نفع طرفداران سناریوی اروپایی تغییر کند، زیرا این امر موجب کاهش اختلاف دو طرف و افزایش گسترش همکاری آنها خواهد شد

روابط ترکیه با اسرائیل دچار تنش شده و انتخاب اسلامگرایان نیز این وضعیت را تشدید کرده است. در این شرایط، ترکیه نیازمند نزدیکی به قدرت دیگر منطقه یعنی ایران است.

۲- هائیران با سوریه روابط نزدیکی دارد و ترکیه با سوریه بر سر استان «هاتای» و آب فرات اختلاف دارند. نزدیکی ترکیه به ایران می تواند در حل اختلافات ترکیه و سوریه مؤثر باشد (السنن، ۱۳۸۵: ۷۴).

عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا باعث خواهد شد که مرزهای اروپا به کشورهای ایران، سوریه و عراق متصل شود و از این رهگذر این سه کشور نمی توانند نسبت به تحولات ترکیه بی تفاوت باشند و در همان زمینه هایی که جامعه ترکیه دستخوش تغییر و تحول شده، کشورهای سه گانه یادشده هم از تغییرات و اصلاحات حاصله در ترکیه تأثیر پذیر خواهند بود. بنابراین عضویت کامل ترکیه در اتحادیه می تواند در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و روحی روانی بر جمهوری اسلامی ایران تأثیر گذار باشد (باغچی و چالیش، ۱۳۸۷: ۹۵). از سویی ترکیه ضمن الحاق به اتحادیه باید بخشی از اقتدار و حاکمیت خود را به مجموعه فراگیر اتحادیه واگذار نموده و در چارچوب هنجارهای رفتاری اتحادیه اروپا حرکت کند و از این رو ناگزیر است تا حدی از ابتکارات و آزادی عمل شخصی خود چشمپوشی کند که این امر می تواند به نوعی به کاهش قدرت این کشور در تصمیم گیری های سیاست خارجی منجر شود، ولی از سوی دیگر الحاق به اتحادیه باعث تقویت قدرت جمعی این کشور شده و باعث می شود که ترکیه از قدرت و اقتدار بیشتری در برخورد با دیگر کشورها و بویژه در رابطه با ایران از قدرت چانه زنی بیشتری برخوردار شود. ترکیه با ورود به اتحادیه، شرایط و ضوابطی را می پذیرد که ناچار به اجرا و اعمال آنها در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی نظامی است (Idris، ۲۰۰۶: ۴۹). جمهوری اسلامی ایران به عنوان همسایه ترکیه جزء کشورهای خواهد بود که از هر گونه تغییر و تحول بنیادین و روابط ترکیه با اتحادیه اروپا تأثیر خواهد پذیرفت. این واقعیات مبین این نکته هستند که ترکیه تحت الزامات و شرایط اتحادیه بایستی در تنظیم روابط اقتصادی و سیاسی خود با دیگر کشورها، ملاحظات و نگرانی های اتحادیه اروپا را نیز مدنظر قرار دهد و قطعاً از رهگذر این روابط جدید، محدودیت ها و یا مزایایی برای جمهوری اسلامی ایران در ابعاد مختلف به وجود خواهد آمد.

در زمینه اقتصادی، هم چنانکه در شرایط و ضوابط مندرج در برنامه های اتحادیه برای ترکیه آمده است، ترکیه ناگزیر است هر گونه موافقتنامه تجاری با دیگر کشورها را به اطلاع اتحادیه برساند و باید در



دولت جدید، ترکیه موقعیت اقتصادی گذشته خود در عراق را از دست می دهد و نیازمند یافتن جایگزین است.

۲- با سقوط صدام از قدرت، زمینه برای فعالیت های قومی کردها فراهم تر شده، زیرا کردها تهدیدی مشترک علیه امنیت ملی ایران و ترکیه به شمار می آیند (Gunter، ۲۰۰۶: ۶۷).

۳- برخلاف ایران، ترکیه فاقد استراتژیک در صحنه داخلی عراق است، از این رو برای افزایش قدرت خود در صحنه سیاسی آینده عراق، نیازمند نزدیکی به ایران است.

۴- به خاطر روابط نزدیک اسرائیل با کردها،

داشت (امیری، ۱۳۸۷: ۱۳۹-۱۳۸).

۲- ایران، ترکیه و سناریوی اتحادیه اروپا

در این سناریو، ایران در دستیابی ترکیه به بازارهای خلیج فارس و آسیای مرکزی و حتی غرب آسیا نقش کلیدی دارد. حتی این احتمال وجود دارد که پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا، زمینه پیوستن ایران به اتحادیه در چند دهه آینده را فراهم کند. محور اصلی این سناریو کاهش تنش با همسایه مهم ترکیه، یعنی ایران است و ایران و ترکیه می توانند همانند فرانسه و آلمان در اتحادیه اروپا زمینه تشکیل نوعی همکاری منطقه ای نظیر اکورافراهم کنند و این مستلزم کاهش تنش در روابط دو کشور و تحکیم روابط اقتصادی

چار چوب تعیین شده از طرف اتحادیه حرکت کند، یعنی انعقاد هر گونه موافقتنامه تجاری ترکیه با دیگر کشورها از جمله با جمهوری اسلامی ایران که بتواند بر کلیات اقتصاد کشور عضو اتحادیه تأثیر داشته باشد، بایستی الزاماً با نظر مثبت اتحادیه به امضا برسد (انصاری، ۱۳۸۵: ۱۱۷). در زمینه سیاسی چنانکه ترکیه در مسیر ورود به اتحادیه بتواند مشکلات و مسائل خود را با اقلیت‌های قومی و نژادی حل و فصل کند، این امر می‌تواند بر وضعیت اقلیت‌های قومی مشابه در ایران تأثیر گذار باشد و آنها را تشویق نماید تا در جهت کسب امتیازات خاص خود تلاش کنند. در صورتی که اگر ادترکیه به حقوق و وضعیت خودشان برسند، قطعاً این وضعیت دارای اثر گذاری بر اوضاع اقوام ایران خواهد بود و به اقوام ایرانی روحیه، انگیزه

از نظر فکری در تقویت جریان‌ها و گرایش‌های معتدل و میانه‌رو و سازگاری سیاسی با غرب مؤثر واقع می‌شود. این مسئله بویژه در حال حاضر با طرح امریکایی‌ها در منطقه با عنوان «خاور میانه بزرگ»، بیشتر تأثیر گذار خواهد بود. از آنجا که در ترکیه وجود نوعی اجماع فکری و روانی برای کار با غرب در این منطقه حکایت می‌کند و سیاست خارجی ترکیه در چارچوب این سنت می‌گنجد، چنین اجماعی در ایران وجود ندارد و در فرهنگ سیاسی ایران کار با خارجی مشکلات فراوان فرهنگی و روانی دارد. در نتیجه عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا به این جریان‌ها و گرایش‌ها انگیزه می‌دهد که هر چه بیشتر در جهت تقویت حضور تفکرات خود فعالیت کنند از سوی دیگر با توجه

اروپا اهمیت بسزایی برای ایران خواهد داشت، زیرا اروپا ناگزیر است به منظور تأمین امنیت خود، همکاری با ایران را گسترش دهد تا از مرزهای غربی ایران خطری متوجه صلح و امنیت اروپا نشود، چرا که بدون تعامل با ایران مرزهای اروپا نفوذپذیر شده و هر گونه حادثه و مشکل در یک کشور منطقه بویژه در ایران به سادگی می‌تواند به کشورهای اروپایی سرایت کند. حساسیت‌های اروپا نسبت به مسئله خطر فزاینده گسترش سلاح‌های هسته‌ای و تکنولوژی پیچیده نظامی، مسئله مهاجرت‌های غیرقانونی، قاچاق مواد مخدر و سایر موارد موجب می‌شود که اتحادیه اروپا تحولات مناطق پیرامون ایران را به دقت تحت نظر قرار دهد تا خطری متوجه غرب و منافع غرب در منطقه نشود (حاج یوسفی، ۱۳۸۶: ۶۰-۵۹). از سوی دیگر ورود ترکیه به اتحادیه به منافع برای ایران خواهد داشت. ایران به عنوان یکی از کشورهای منطقه که دارای منابع عظیم نفت و گاز می‌باشد، و اهمیت انرژی در غرب موجب می‌شود که مسئله صدور گاز ایران به اروپا از طریق ترکیه تقویت شود که از یک سو موجب اهمیت ایران در بین کشورهای اروپایی شده و همچنین اتحادیه اروپا به امنیت و صلح در ایران حساسیت نشان خواهد داد و نیز منافع و سود اقتصادی برای ایران خواهد داشت و افزون بر این قدرت چانه‌زنی ایران را در برابر امریکا افزایش خواهد داد (قهرمانپور، ۱۳۸۵: ۵۸).

نتیجه‌گیری

مطابق آنچه گفته شد، در وضعیت کنونی نوعی موازنه قوا، میان طرفداران دو سناریوی بزرگ اوراسیایی و اروپایی در داخل ترکیه برقرار است که این موازنه را می‌توان موازنه سکولارها و اسلامگرایان نیز دانست. منافع ایران در این است که موازنه قوا به نفع طرفداران سناریوی اروپایی تغییر کند، زیرا این امر موجب کاهش اختلاف دو طرف و افزایش گسترش همکاری آنها خواهد شد. سکولارها و نظامیان از اصلی‌ترین مخالفان نظام سیاسی ایران در داخل ترکیه هستند و قدرت گرفتن آنها می‌تواند منافع ایران را تهدید کند، از این رو استراتژی ایران در گسترش روابط با ترکیه باید مبنی بر تقویت سناریوی اروپایی باشد. در حال حاضر، ایران و ترکیه هیچ یک نمی‌توانند روابط استراتژیک داشته باشند؛ به این دلیل که موازنه قوای داخلی شکننده است و نمی‌توان با اطمینان از تداوم این موازنه در چند سال آینده سخن گفت. تازمانی که ترکیه به اتحادیه اروپا نپیوندد یا مذاکرات الحاق آغاز نشود، احتمال تقویت موازنه به نفع نظامی‌ها و سکولارها وجود دارد (Biroli, 2008: ۵۵۶). اردوغان در ماه‌های گذشته به شدت از سیاست‌های اسرائیل انتقاد کرده و حتی حاضر به دیدار با مقام‌های اسرائیلی نشده؛ اما واقعیت این است که او باید بسیار



امریکا میل است ترکیه الگوی یک کشور اسلامی دموکراتیک باشد و از این رو نسبت به انجام هر نوع کودتا علیه اسلامگرایان حساس است، اما اگر شرایط به گونه‌ای باشد که امریکایی‌ها احساس کنند ماهیت نظام سیاسی ترکیه در خطر است، ناگزیر با انجام اقداماتی علیه اسلامگرایان موافقت خواهند کرد

و توان بیشتری می‌دهد تا مطالبات و درخواست‌های مشابه را در ایران نیز دنبال کنند (Robins, 2007: ۶۹). در این صورت این وضعیت می‌تواند به چالش‌های سیاسی جدیدی برای ایران بینجامد. همچنین در صورت عضویت ترکیه در اتحادیه، قطعاً سطح زندگی، توسعه و پیشرفت در این کشور به سطح بالای توسعه خواهد رسید و چنانچه شرایط اقتصادی در ایران همچون ترکیه توسعه پیدا نکند، سطح نابرابری توسعه و اختلاف وضعیت اقتصادی در کنار سایر عوامل سبب خواهد شد که ترک‌های ایران در مقام مقایسه خود با ترکیه برآمده و از این رهگذر سطح درخواست‌ها و مطالبات آنها بالا برود و مطالبات بیشتری در خواست کنند. چنانچه در کنار این واقعیت، وضعیت جمهوری آذربایجان و روابط بسیار نزدیک ترکیه با این کشور و قرار گرفتن هر دو کشور در اتحاد با مجموعه غرب رانیز در نظر بگیریم، چالش‌های احتمالی فراروی جمهوری اسلامی ایران در این رابطه پررنگ‌تر خواهد شد (سوروزی، ۱۳۸۷: ۲۹) و عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا به عنوان یک کشور مسلمان

به حادثه یازده سپتامبر، تحولات خاورمیانه و بویژه، طرح «خاور میانه بزرگ»، فضای خارجی موجود نیز باین درخواست همراهی دارد.

در نهایت می‌توان گفت که روابط ترکیه و مجموعه غرب و پذیرفته شدن این کشور در اتحادیه

محتاجانه حرکت کرده و بین منافع حزبی خود، منافع امریکا و منافع نظامیان، نوعی موازنه برقرار کند. فراموش نکنیم امریکا مایل است ترکیه الگوی یک کشور اسلامی دموکراتیک باشد و از این رو نسبت به انجام هر نوع کودتا علیه اسلامگرایان حساس است، اما اگر شرایط به گونه‌ای باشد که امریکایی‌ها احساس کنند ماهیت نظام سیاسی ترکیه در خطر است، ناگزیر با انجام اقداماتی علیه اسلامگرایان موافقت خواهند کرد (Khalilzad, 2008: 47).

در نهایت به نظر می‌رسد، اگر روابط ترکیه را در چارچوب روابط ترکیه-امریکا در نظر بگیریم و ترکیه به شریک امریکا و ابزار مانور قدرت این کشور در مناطق قفقاز جنوبی، بالکان و خاورمیانه تبدیل شود، با این فرض وقوع چنین روندی به نفع منافع ملی ایران نیست چون:

۱- تنش میان ایران و آمریکا افزایش خواهد داد.
۲- قدرت مانور ترکیه را در منطقه خاورمیانه به شدت افزایش خواهد داد و ترکیه در معادلات استراتژیک و امنیتی خاورمیانه نسبت به ایران دست بالا را خواهد داشت.

۳- روابط ترکیه-اسرائیل-امریکا تقویت شده و این به تضعیف اهمیت استراتژیک ایران خواهد انجامید.

۴- یک شکاف راهی میان ایران و ترکیه ایجاد خواهد شد که می‌تواند در یک حالت مقایسه‌ای مشروعیت نظام سیاسی ایران را به دلیل بالا رفتن انتظارات تضعیف کند.

۵- مثلث ترکیه-امریکا-آذربایجان، ترکیه-آذربایجان-اسرائیل نیز تقویت خواهد شد که باز هم می‌تواند تهدیدی برای ایران باشد (معاونت سیاست خارجی، ۱۳۸۷: ۲۴).

از سوی دیگر روابط ترکیه و غرب (اروپا) و پذیرفته شدن ترکیه در اتحادیه اروپا منافع زیادی را متوجه ایران خواهد ساخت از جمله این که:

۱- اتحادیه اروپا در هر حال ناگزیر از حفظ امنیت مرزهای غربی ایران خواهد بود.

۲- اهمیت انرژی در روابط ایران با اتحادیه اروپا افزایش خواهد یافت.

۳- قدرت چانه‌زنی اتحادیه اروپا در برابر آمریکا در مورد ایران افزایش خواهد یافت.

۴- ایران از طریق ترکیه به بازار بزرگ اروپا راه خواهد یافت.

۵- تهدیدات امنیتی عراق علیه ایران کاهش خواهد یافت.

۶- حساسیت اروپا به مسائلی مانند مهاجرت و قاچاق مواد مخدر افزایش خواهد یافت و این زمینه را برای همکاری بیشتر اتحادیه اروپا و ایران فراهم خواهد کرد.

خواهد کرد (Lesser, 2005: 43).

در موقعیت کنونی مخالفت ترکیه با اعمال تحریم‌های بیشتر علیه ایران و حمایت ایران از پذیرفته شدن ترکیه در اتحادیه اروپا می‌تواند جو تفاهم دو کشور را بهبود بخشد و زمینه را برای همکاری هر چه بیشتر دو کشور فراهم کند.

• کارشناس ارشد علوم سیاسی

منابع:

الف- فارسی

- اطهری، سیداسدالله (۱۳۸۵)، «ارتش و اسلامگرایان ترکیه: دین‌سوی اجتماعی در یک نظام»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هشتم، شماره ۴.

- السن، رابرت (۱۳۸۵)، «مسئله کردها و روابط ایران و ترکیه، ترجمه: ابراهیم یونس، تهران: انتشارات بنیاد».

- امیری، مهدی (۱۳۸۷)، «تحولات محیط امنیتی آسیای مرکزی پس از یازده سپتامبر: فرصت‌ها و تهدیدات فراروی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی دفاعی، سال دوم، شماره ۶.

- انصاری، جواد (۱۳۸۵)، «ترکیه در جستجوی نقشی تازه در منطقه»، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

- باغچی، حسین و چالیش، شعبان (۱۳۸۷)، «عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا: مناظره‌های پس از جنگ سرد»، ترجمه: عسگر قهرمانپور، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال یازدهم، شماره ۱.

- بهلولان، چنگیز (۱۳۸۶)، «مناسبات ایران و ترکیه»، ماهنامه اطلاعات سیاسی، اقتصادی، شماره ۱۳۴-۱۳۳.

- حاج یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۶)، «امنیت اروپا و آینده ناتو»، ماهنامه اطلاعات سیاسی، اقتصادی، شماره ۹۶-۹۵.

- حافظیان، محمدحسین (۱۳۸۶)، «ترکیه: نخبگان سیاسی- نظامی و چالش‌های دموکراسی»، فصلنامه راهبرد، شماره ۳۱.

- حیدری، محمد (۱۳۸۶)، «دگرگونی‌های ژئوپلیتیک دهه ۱۹۹۰ و جغرافیای نوین امنیتی ایران»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال یازدهم، شماره ۱.

- دیکایا، محمد (۱۳۸۶)، «بازی بزرگ جدید در آسیای مرکزی: ترکیه، روسیه و ایران»، ترجمه: باغبان کندی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال نهم، دوره سوم، شماره ۳۰.

- روشندل، جلیل (۱۳۸۶)، «هدف‌ها و پیامدهای پیمان استراتژیک ترکیه و اسرائیل»، مجموعه مقالات مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

- شیخ عطار، علیرضا (۱۳۸۱)، «ریشه‌های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز»، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

- قهرمانپور، رحمان (۱۳۸۷)، «چرا باید در مقطع کنونی روابط با ترکیه را گسترش داد؟»، ماهنامه برداشت اول، سال سوم، شماره ۱۹-۱۸.

- قهرمانپور، رحمان (۱۳۸۶)، «آینده روابط ترکیه و غرب: به سوی یک طرح استراتژیک»، معرفی و نقد کتاب، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۴.

- قهرمانپور، رحمان (۱۳۸۵)، «اجلاس ناتو در استانبول و

منافع ملی ایران»، ماهنامه برداشت اول، سال سوم، شماره ۱۷.
• کاکایی، سیامک (۱۳۸۵)، «نقش ترکیه در منطقه خاورمیانه پس از جنگ سرد»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال چهارم، شماره ۴.

- معاونت سیاست خارجی، (۱۳۸۷)، «آیا ترکیه به اتحادیه اروپا می‌پیوندد؟»، ماهنامه برداشت اول، سال دوم، شماره ۷.

- سنوروزی، نورمحمد (۱۳۸۷)، «تقابل ایران و ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال نهم، دوره سوم، شماره ۲۹.

- نوع پرست، زهرا (۱۳۸۶)، «ترکیه و اتحادیه اروپا: دو دستگی آرا»، ماهنامه اطلاعات سیاسی، اقتصادی، سال نوزدهم، شماره ۶-۵.

ب- لاتین

- Berks, Niayazi. (2004) The Development of Secularism in Turkey. (London, New York): of Oxford University Press.

- Birol, Yesilid. (2008) "Turkish Candidacy for Eumembership", The Middle East Journal, vol. 56, No. 1.

- Fuller, G., & Lesser, Jan. (2008) Turkey's New Geopolitics, from the Balkans to Western China, Boulder Colorado: West View Press.

- Gunter, Michael. (2007) The Kurdishish Turkey: a political Dilemma, (Colorado, Westview Press).

- Hale, William. (2005) Turkish Politics and Military, (London, Rutledge).

- Hale, Wiliam. (2006) "Turkey, The Middle East and the Gulf crisis", International Affairs, No. 68.

- Idris, Bal. (2006) "The European union Turkish Dilemma", Pakistan Horizon, The Pakistan Institute for int. Affairs, Karachi, vo. 49, N. 1.

- Khalilzad, Zalmy. (2008) Strategic Plan for western Turkish Relitions, Rand center for middle East public policy.

- Lesser, Jan. (2005) Western Interest in a Changing Turkey, Rand center for Middle East public policy.

- Robins, Philip. (2007) "The over Lord state: Turkish Policy and Kurdish Issue", International Affairs, vol. 69, No. 4, October.

- Taper, Record. (2007) Islam in Modern Turke: Religion, Politics and literature in A Secular State. (London, Tauris).

پژوهشگر و مورخ
۱۳۸۹
اندیشوران